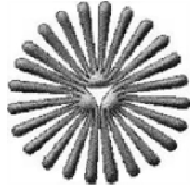


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.



دانشگاه پیام نور تبریز

پایان نامه

برای دریافت مدرک کارشناسی ارشد

در رشته ی زبان و ادبیات فارسی

دانشکده علوم انسانی

گروه زبان و ادبیات فارسی

عنوان پایان نامه:

کنایه در چهار مثنوی از هفت اورنگ جامی

(سبحة الابرار، یوسف و زلیخا، لیلی و مجنون و خردنامه ی اسکندری)

استاد راهنما:

دکتر میر نعمت اله موسوی

استاد مشاور:

دکتر احمد محمدی

نگارش:

سهراب نجفقلی پور

آذر ماه ۱۳۸۹

تقدیم به:

روح پاک و مطهر خواهر بزرگوارم که چراغ عمر وجودشان روشنی بخش
زندگی مان و ایمان و اعتقاد راسخ ایشان مایه ی حلاوت و برکت معنوی و
مادی پدر و مادرم بود.

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.

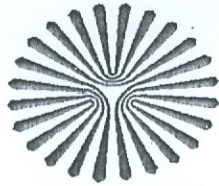
سپاسگزاری

سپاس و ستایش ایزد یکتا را که هرچه هست از خزانه الطاف بی کران اوست و درود بی پایان بر روضه ی مطهر و تربت مقدس خواجه ی کائنات و سرور عالمیان و بهتر و مهتر آدمیان، حضرت محمد مصطفی «صلی الله علیه و آله و سلم» و آل او باد و با سلام به خدمت استادان گرامی که در این برهه از سال های تحصیل خود در محضر آن بزرگواران افتخار شاگردی داشتم و حالا که دوران تحصیل اینجانب در این مقطع در شرف پایان است، به پاس زحمات و توجهات استادان گرانقدرم و به استناد حدیث «من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق» از همه آن بزرگواران سپاسگزاری می کنم و به لحظه های پر غنیمت که در محضر شریف این استادان بزرگوار بوده ام ارج می نهم و نور دانش و دانایی آنها را سرمشق زندگی خود قرار می دهم.

بخصوص از جناب آقای دکتر میر نعمت اله موسوی که با بزرگواری و همت بی دریغ خود همواره مرا مدیون راهنمایی های خود قرار داده اند و در طریق تحقیق یار و مددکار بنده بوده اند نهایت سپاسگزاری دارم و از جناب آقای دکتر احمد محمدی که همواره بنده را مورد لطف و عنایت خود قرار داده اند و در به ثمر رساندن این تحقیق اهتمام کامل داشته اند تشکر می نمایم.

هم چنین بر خود فرض می دانم از زحمات بی شائبه و گرانقدر استادان ارجمند گروه زبان و ادبیات فارسی، از جناب آقای دکتر علیرضا معین زاده، جناب آقای دکتر علی قهرمانی، جناب آقای دکتر مهدی عراقی، جناب آقای دکتر پدرام میرزایی و تمامی بزرگواران که بر گردن اینجانب حق استادی داشته و دارند تقدیر و تشکر می نمایم و برای همه آن بزرگواران آرزوی سلامتی و سربلندی دارم.

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.



دانشگاه پیام نور

بسمه تعالی

صور تجلسه دفاع از پایان نامه

دوره کارشناسی ارشد

جلسه دفاع از پایان نامه دوره کارشناسی ارشد آقای سهراب نجفقلی پور دانشجوی رشته زبان و ادبیات فارسی به شماره دانشجویی ۸۷۰۰۰۷۰۵۱ تحت عنوان کنایه در چهار مثنوی از هفت اورنگ جامی (سبحة الابرار، یوسف و زلیخا، لیلی و مجنون، خردنامه اسکندری) با حضور هیات داوران در روز پنجشنبه مورخ ۱۸/۹/۸۹ ساعت ۱۱:۳۰ در محل ساختمان آموزشی برگزار شد و هیات داوران پس از بررسی، پایان نامه مذکور را شایسته نمره به عدد ۱۹/۰۰ به حروف نوزده با درجه عالی تشخیص داد.

نام و نام خانوادگی	هیات داوران	مرتبہ دانشگاهی	دانشگاه / موسسه	امضاء
آقای دکتر میرنعمت اله موسوی	استاد راهنما	استادیار	مرکز تبریز	
آقای دکتر احمد محمدی	استاد مشاور	استادیار	مرکز تبریز	
آقای دکتر علیرضا معین زاده	استاد داور	استادیار	مرکز تبریز	
خانم دکتر محبوبه عبدالهی	نماینده گروه علمی	استادیار	مرکز تبریز	
آقای دکتر سید مهدی عراقی	مدیر تحصیلات تکمیلی استان	استادیار	مرکز تبریز	

چکیده

پایان نامه ی حاضر، مجموعه ی کنایات چهار مثنوی از هفت اورنگ جامی (سبحة الابرار، یوسف و زلیخا، لیلی و مجنون و خردنامه ی اسکندری) است که با مقدمه مرتضی مدرس گیلانی مورد بحث قرار گرفته است و انواع کنایاتی که به لحاظ مختلف در ابیات به کار رفته در حد و وسع توان تبیین می شود و زیبایی ها و دقایق ادبی آنها تصریح و تشریح می گردد با این نظم و انسجام، پایان نامه به دو فصل تقسیم می شود:

فصل اول شرح زندگی جامی، تعریف علم بیان و انواع کنایه است که با ذکر مثال به توضیح آنها می پردازد.

فصل دوم متن اصلی پایان نامه است که در آن انواع کنایه از لابه لای هفت اورنگ استخراج و براساس حروف الفبا تنظیم می شود سپس نوع کنایه ها و طرز تشخیص آنها با روش کاربردی مورد بحث قرار می گیرد.

واژگان کلیدی: جامی، هفت اورنگ، کنایه.

نام و نام خانوادگی دانشجو: سهراب نجفقلی پور

شماره دانشجویی: ۸۷۰۰۰۷۰۵۱

رشته تحصیلی: زبان و ادبیات فارسی

استاد راهنما: دکتر میر نعمت اله موسوی

استاد مشاور: دکتر احمد محمدی

عنوان پایان نامه: کنایه در چهار مثنوی از هفت اورنگ جامی (سبحة الابرار، یوسف و زلیخا، لیلی و مجنون، خردنامه اسکندری)

تاریخ دفاع: ۸۹/۹/۱۸

فهرست مطالب:

مقدمه ۱

فصل اول: شرح زندگی عبدالرحمان جامی، تعاریف و کلیات

الف- شرح زندگی عبدالرحمان جامی ۴

ب- علم بیان ۸

ج- کنایه ۹

پی نوشت ۱۶

فصل دوم: فرهنگ کنایات در چهار مثنوی از هفت اورنگ جامی (سبحة الابرار، یوسف و زلیخا،

لیلی و مجنون و خردنامه ی اسکندری)

پی نوشت ۱۵۷

نتیجه گیری ۱۶۳

پیوست ۱۶۴

فهرست الفبایی کنایات ۱۶۸

فهرست منابع و مآخذ ۱۷۹

چکیده انگلیسی ۱۸۰

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.

مقدمه

موضوع پایان نامه با عنوان «کنایه در چهار مثنوی از هفت اورنگ جامی» (سبحةالابرار، یوسف و زلیخا، لیلی و مجنون و خردنامه ی اسکندری) که در آن به استخراج و بحث و بررسی انواع کنایه و مصادیق کاربردی آنها پرداخته است و نکته ی دیگر این که جامی چه اندازه توانسته است سخنان خود را به صورت پوشیده و کنایه آمیز بیان کند و انواع کنایه را با استادی و مهارت تمام در لا به لای اشعار خود به کار گیرد و چگونه از کنایه به عنوان ابزاری برای القای معانی به مخاطب استفاده کند. برای پاسخ به این گونه سؤالات، مثنوی هفت اورنگ جامی با مقدمه ی مرتضی مدرسگیلانی و کتاب هایی که به موضوع پایان نامه ارتباط داشته مورد مطالعه قرار گرفته است که به ذکر چند عنوان از آنها اشاره می شود:

۱- بیان، دکتر سیروس شمیسا ۲- بلاغت فارسی، دکتر احمد گلی ۳- فرهنگ بدیعی، دکتر میر نعمت اله موسوی ۴- بیان در شعر فارسی، دکتر بهروز ثروتیان ۵- معانی و بیان، دکتر جلیل تجلیل. همچنین کتاب هایی که مربوط به زندگانی جامی و آثارش بود مورد مطالعه قرار گرفت و مقدمه ای فشرده و مختصر بر آن نوشته شد.

با مساعدت استاد راهنمای محترم کتاب های مربوط به فن بیان و مثنوی هفت اورنگ مورد مطالعه قرار گرفت و فیش برداری آغاز شد، بعد از آن، کنایه ها براساس حروف الفبا تنظیم گردید. در هر یک از ابیات که کنایات تکراری و مشابه وجود داشت برای جلوگیری از تکرار کنایه ها، موارد به صورت پی نوشت ارائه گردید تا از دوباره کاری پرهیز گردد. این پایان نامه از دو فصل کلی تقسیم شده است: فصل اول شامل تعاریف است، در این فصل به تعریف و شرح علم بیان و کنایه پرداخته و برای انواع کنایه مثال هایی آورده و در پایان هم پی نوشت درج شده است.

فصل دوم که متن اصلی پایان نامه است در این فصل انواع کنایات چهار مثنوی از هفت اورنگ جامی (سبحةالابرار، یوسف و زلیخا، لیلی و مجنون و خردنامه اسکندری) مشخص گردیده و براساس حروف الفبا تنظیم شده است و در پایان نتیجه گیری کلی ارائه شده و همچنین فهرست ها و نمودارها جهت دستیابی آسان به موارد کاربردی گنجانده شده است.

سخن آخر اینکه سیر نگارش و اهداف تحقیق با کمک و مساعدت استادان گرانقدر و فاضل، جناب آقای دکتر میر نعمت اله موسوی و جناب آقای دکتر احمد محمدی جامه ی عمل به خود گرفت و به

بار نشست، راهنمایی هایشان گره گشای بندهند این پژوهش بوده که در اتمام و اکمال آن از هیچ کوششی دریغ نوزیده اند، از مساعدت و زحمات این بزرگواران تقدیر و تشکر می کنم.

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.

فصل اول:

شرح زندگی جامی، تعاریف و

کلیات

الف- شرح زندگی عبدالرحمان جامی

استاد نورالدین عبدالرحمان بن نظام الدین احمد بن شمس الدین محمد حنفی جامی از شعراء و نویسندگان فاضل خراسان در سده ی نهم هجریست، وی از دودمان و اسباط امام محمد شیبانی است که یکی از شاگردان امام ابی حنیفه نعمان بن ثابت فارسیست، منصوب به قبیله شیبان، و آن قبیله ای از عرب می باشد^۱ و دودمان او را به قبیله ی شیبان نسبت داده اند و در مورد شرح زندگی پدر بزرگ او نوشته اند:

پدر کلان جامی شمس الدین محمد دشتی از محله دشت اصفهان بود، بعدها رخت به خراسان کشید، و در دیه خرجرد جام فرود آمد و به افتا و قضاء اشتغال می ورزید، و در توقیعات و نوشته های خود دشتی می نگاشته و چون او را از شهرستان جام کوچ افتاد، در امضات خود جامی ثبت می کرده.^۲ میلاد جامی در خرجرد جام هنگام نماز خفتن هفت روز از شعبان مانده به سال ۸۱۷ هجری اتفاق افتاده، چنانکه خود می گوید: چون مولد این فقیر ولایت جام است که مرقد مطهر و مشهد مطهر شیخ الاسلام احمد جامی قدس الله سره السامی آنجاست.

و این معنی را رشحه ای از جام ولایت می دانند، تحقیق نسبت به ولایت جام و جام ولایت شیخ الاسلام، جامی تخلص کرده شده:

جرعه جام شیخ الاسلامی است

مولدم جام و رشحه ای قلمم

بدو معنی تخلصم جامی است^۳

لاجرم در جریده اشعار

نظام الدین احمد پدر جامی برای انجام اموری به هرات رخت کشید، جامی در مدرسه ی نظامیه هرات مشغول فراگرفتن علوم و فنون روزگار خود شد، آنچه از کتب سوانح و حالات وی که تذکره نویسان نقل کرده اند، بلکه از آثار وی مشهود و روشن است جامی فطرتاً انسان خوش قریحه و تیزهوش بوده است و سرمایه ی شخص دانشمند عمده حافظه و استعداد ذاتی اوست این دو صفت را در وی بسیار تأیید کرده اند.^۴

انتساب جامی به متصوفه ی نقشبندیه، چنانچه در شرح احوال او آمده از آنجا معلوم است که اولاً شرح حالات بزرگان آن طایفه مانند خواجه بهاء الدین عمر بخاری و مولانا نظام الدین خاموش و دیگران را در کتاب نفحات الانس به تفصیل بیان کرده و در اغلب مثنویات خویش نیز از آنان نام برده و از روح آنان طلب فتوح کرده است.^۵

آن چه از شرح احوال جامی برمی آید این است که او مسافرت‌هایی داشته است. نخستین سفرش در نوجوانی بوده و همراه پدرش به هرات رفته و پیش خواجه علی سمرقندی درس خوانده است. در سفرهای بعدی نزد علاءالدین علی قوشچی تلمذ نموده و دست ارادت به دامان مولانا سعدالدین کاشغری زده است. سفرهایی نیز به سمرقند برای ملاقات با بزرگان داشته است. آخرین سفر و در واقع طولانی‌ترین سفر او مسافرت حجاز بوده که از خراسان آغاز شده، وی پس از عبور از همدان و کردستان و بغداد و کربلا و نجف و مدینه و مکه و دمشق و حلب و تبریز به خراسان بازگشته است^۶ و همه این سفرها نشان می‌دهد که او تشنه علوم زمان خود بوده و همیشه سفر را بر حضر ترجیح داده است.

جامی در طول زندگی خود مورد احترام سلاطین و بزرگان معاصر خود به ویژه سلطان حسین بایقرا و امیر علیشیر نوایی بود. این امیر ادیب و دانش‌پرور که جامی دست ارادت به دامان وی زده بود، بلافاصله بعد از فوت وی کتابی به نام *خمسة المتحیرین* در شرح احوال و ذکر مکارم و توصیف صفات او تألیف نمود.^۷

از مطالعه سخنان شاعر جام به خوبی مشهود است که تا چه پایه قوت طبع و کمال شاعری او مرهون مطالعه‌ی دواوین و آثار بزرگان شعر و ادب می‌باشد. علاوه برآنکه در نفحات الانس غالب استادان شعر را در عداد بزرگان صوفیه نام برده و از سخنان ایشان استشهادها کرده است. در شعر و شاعری به شعر بزرگانی چون سعدی و حافظ توجه داشت و در مثنوی سرایی، خود را مدیون حکیم نظامی و امیر خسرو دهلوی می‌دانسته است.^۸

از فضایل و کمالات جامی همانا احاطه‌ی اوست بر آداب زبان عرب و تبخّر وی در علوم ادبی و این معنی هم از اشعار نازی او واضح است. غزلیات ملمّع او که با مصاربع و ابیات عربی آمیخته است، بهترین شاهکار و زیباترین نمونه از اختلاط این دو زبان می‌باشد.^۹

عبدالغفور لاری در شرح حال استاد خود، جامی، راجع به تحصیلات وی گفته: چون ایشان در صغر سن همراه والد شریف خود به هرات آمده‌اند در مدرسه‌ی نظامیه اقامت کرده‌اند. و به درس مولانا جنید اصولی که در علم عربیت ماهر بوده است و در آن فن شهرت تمام داشته درآمده‌اند، جمعی به قرائت شرح مفتاح و مطول مشغول بوده‌اند، ایشان با آنکه هنوز به حد بلوغ شرعی نرسیده بودند در خود استعداد فهم آن یافته‌اند و به مطالعه‌ی مطول و حاشیه‌ی آن پرداخته‌اند بعد از آن به درس مولانا خواجه علی سمرقندی که از اعظام مدققان روزگار بوده درآمده‌اند که وی در طریق مطالعه بی‌مثل بوده

اما به قریب چهل روز از وی مستغنی شده است^{۱۰} و نبوغ او باعث شد که جاذبه‌ی محبت او روز به روز در میان فارسی‌زبانان بیشتر شود.

جامی به سبب علو مقام ادبی و علمی و معنوی که داشت، پیش از آن که به دوران حکومت رسد، در همه‌ی ممالکی که آن روز زیر سیطره و حکومت زبان فارسی قرار داشت، یعنی از امپراطوری عثمانی تا اواسط قاره‌ی آسیا و هندوستان، شهرت یافت و این شهرت به سبب مقامات عالیه و خصائل ستوده‌ی مولانا روز به روز در حال قوت و توسعه بود و او بی تردید خوشبخت‌ترین شاعر و نویسنده‌ی ایرانی است که در حیات و ممات مورد احترام بود و زندگانی را در عین مناعت طبع با گشاده دستی و آسایش گذراند. عاشِ سعیداً و مات سعیداً.^{۱۱}

آثار جامی از نظم و نثر بسیار است. اما آثار منظوم او، که وی را در ردیف گویندگان بزرگان ایران درآورده در دو مجموعه‌ی بزرگ فراهم آمده است:

۱- دیوان‌های سه‌گانه ۲- هفت اورنگ.

جامی دیوان‌های سه‌گانه خود را در سال ۸۹۶ به مناسبت سه دوره‌ی حیات خود تنظیم کرد و آنها را به ترتیب فاتحة الشباب و واسطة العقد و خاتمة الحیوة نامید، و مسلماً در این کار به امیر خسرو دهلوی نظر داشت و سه دیوان جامی مشتمل است بر قصاید غزل‌ها و مقطعات و رباعیات. و اما هفت اورنگ جامی که از زبده‌ترین آثار جامی تشکیل می‌شود شامل این مثنویهاست:

اورنگ اول) سلسله الذهب، مثنوی است طولانی به بحر خفیف در ذکر حقایق عرفانی که از سه دفتر فراهم می‌آید.

اورنگ دوم) مثنوی سلامان یا سلامان و اسبال به بحر رمل مسدس محذوف یا مقصور حاوی اشارات عرفانی و اخلاقی همراه با حکایات و تمثیلات.

اورنگ سوم) تحفة الاسرار منظومه بیست به بحر سریع در وعظ و تربیت همراه با حکایان و تمثیلات بسیار در بیست مقاله.

اورنگ چهارم) سبحة الابرار منظومه بیست در یکی از اوزان بحر رمل (فاعلاتن فعلاتن فعلن) در ذکر مقامات سلوک و تربیت و تهذیب که شاعر آن را در چهل «عقد» تنظیم کرده و در هر یک از این «عقدها» اصلی از اصول عرفانی و اخلاقی مطرح ساخته و در آن بحث نموده و به مناسبت حکایات و تمثیلاتی آورده است.

اورنگ پنجم) یوسف و زلیخا به بحر هزج مسدس مقصور یا محذوف در ذکر داستان یوسف و زلیخا چنانکه مشهور است.

اورنگ ششم) لیلی و مجنون به یکی از اوزان بحر هزج (مفعول مفاعله فعلن).

اورنگ هفتم) خردنامه ی اسکندری به بحر متقارب، در ذکر حکم و مواعظ از زبان فیلسوفان یونان که هر یک را به عنوان خردنامه نامیده است.^{۱۲}

جامی در نثر هم توانا و صاحب قلمی شیواست. وی نویسنده ای است که توانست شیوه ی نثر نویسان با ذوق پیشین را در دوران بی ذوقی های همکاران معاصرش، دنبال کند. انشائش روان و ساده و درست است و جز در پاره ای موارد از حدود بیان معنی بیرون نرفته و در بعضی موارد به درجه و مقام نثرنویسان بزرگ قرن پنجم و ششم رسیده است.

آثار پارسی جامی به نثر بسیار است. بعضی از آن آثار است: کتاب «لوايح» - اشعة اللمعات در شرح لمعات عراقی شاعر - رساله ی کبیر - در معما موسوم به حلیة حلل - رساله ی ارکان حج و بسیاری دیگر از این قبیل^{۱۳} ولی از مهمترین آثار ادبی او کتاب بهارستان است که جامی قسمتی از آن را به پیروی از گلستان نوشته و اثر بسیار معروف دیگر او نفحات الانس است که آن را می توان از امهات کتب در بیان حقایق عرفانی و ذکر حال عارفان دانست.

استاد جامی در هرات روز پنج شنبه هیجدهم محرم الحرام هنگام اذان بام از سال ۸۹۸ هجری بدرود جهان گفت و در همان شهر کنار مزار مولانا سعدالدین کاشغری به خاک سپرده شد.^{۱۴}

ب- علم بیان

- تعریف

بیان، ایراد معنای واحد به طرق مختلف است، مشروط بر این که اختلاف آن طرق مبتنی بر تخیل باشد، یعنی لغات و عبارات به لحاظ تخیل (تصویری نسبت به هم متفاوت باشند. به عبارت دیگر، بیان، نقاشی یک مطلب به طرق مختلف است.

علم بیان مربوط به معناست و از این رو جهانی **Universal** است و اختصاص به زبان و ملت خاصی ندارد. بدین ترتیب مباحث علم بیان در ادبیات همه ملت ها مطرح است.^{۱۵} بیان در لغت به معنی کشف و ایضاح؛ یعنی، آشکار و واضح کردن است و در اصطلاح ادای معنای واحد به طرق مختلف جهت خلق تصاویر متعدد است^{۱۶} و چون سخن به صورت غیر مستقیم بیان می شود، تلاش ذهن بیشتر و لذت دریافت معانی چشم گیرتر می گردد.

«دانش بیان از بنیادهای استوار بلاغت است و آموختن فنون و اشارات آن با چهره های گوناگون خیال و صور رنگارنگ معنی آشنا می سازد. در تعریف این فن گفته اند: دانشی است که به یاری آن می توان یک یا چندین معنی را به طرق گوناگون ادا کرد چنانکه به حسب روشنی و وضوح یا ابهام و تاریکی با هم تفاوت آشکار داشته باشند. و سرانجام معانی بر ژرفای دل انسان بشیند و کمند تسلیم برجان شنوندگان افکند.»^{۱۷}

در فرهنگ بدیعی چنین آمده است: «بیان دانشی است که در آن از چگونگی باز گفت و باز نمود اندیشه ای، به شیوه های گوناگون، سخن می رود. به عبارت دیگر، ادای یک مضمون به راه های گوناگون را، بیان می نامند.»^{۱۸}

موضوع علم بیان

بحث از تصویرهای شاعرانه، موضوع علم بیان است. در قدیم بررسی این تصویرها را در چهار مقوله ی مجاز و تشبیه و استعاره و کنایه محدود کرده بودند؛ اما امروزه تصویرهای دیگر هم در علم بیان مطرح است از قبیل: اسطوره، سمبل، آدکی تایپ ...^{۱۹}.

فایده ی علم بیان